

سرآغاز جنبش های اعتراضی سال جدید با شعار:

فقط کف خیابون/ به دست میاد حقمون!

امیر جواهری لنگرودی



دفتر اعتراضات سال ۱۴۰۰ در پایان سال گذشته با کشاکش جرقه های اعتراضی و اعتصاب غذای زندانیان سیاسی زن و مرد در حمایت از اسماعیل عبدی، معلم زندانی، درون زندان ها و در نقاط مختلف کشور گشوده شد و با آغاز تعطیلی نوروزی، در روزهای تعطیل، اعتصاب کارگران هفت تپه در شوش و اعتراضات فرهنگیان، بازنشستگان و ضربآهنگ فرارویی به اعتراضات و اعتصاب گسترده ای سراسری در اول ماه مه ۱۴۰۰ را در ادامه ای «اعتصاب نوروزی آغاز قرن» درون زندان ها تشدید کرده است!

همزمان با جابجایی و آزار زندانیان سیاسی و خانواده های شان با انتقال آتنا دائمی، سپیده قلیان، زینب جلالیان و اسماعیل عبدی با غل و زنجیر بر دست و پا، موجی از اعتراض و اعتصاب چند روزه در داخل زندان ها، اعلام حمایت خانواده های زندانیان و معلمان آزادی خواه و نهادهای چپ و دمکراتیک در خارج از کشور برخاست.

در آغاز هم بندیان اسماعیل عبدی اعلام داشتند: «از آن هنگام که جناب اسماعیل عبدی با عنوان «انتقال» به زندان رجایی شهر از اوین برده شد، تاکنون مقامات و دست اندرکاران نه تنها پاسخ مناسب و در خور به هم بندیان شان نمی دهند، بلکه با جابجایی های مکرر ایشان از کرج به تهران و نگهداری ایشان در کلانتری که نه تنها متناسب با شأن ایشان نیست، بلکه خارج از عرف «انتقال» زندانی است؛ سبب نگرانی هم بندیان او شده است.»

پس از اعلام این خبر، بیانیه‌ی اعلام اعتصاب غذای زندانیان سیاسی که با یاد و احترام رنج‌های مشترک‌مان و در اعتراض به ظلم‌های ستمگران از زندان‌های ایران به دست‌مان رسید، سپهر یک رویارویی با حاکمیت زندان‌ساز و زندانبان را از درون زندان‌های جمهوری اسلامی نمایان ساخت.

امضاء کنندگان این بیانیه نام‌های آشنای زندانیان سیاسی:

از زندان اوین: ۱- بکتاش آبتین، ۲- سعید اقبالی، ۳- سینا بهشتی، ۴- پیمان پورداد، ۵- معین حاجی‌زاده، ۶- حسین جندقیان، ۷- آرش خزلی، ۸- امیرسالار داودی، ۹- مصطفی خسروبابادی، ۱۰- فرزین رضایی روشن، ۱۱- مهران سروش، ۱۲- عباس سوهانی، ۱۳- پوریا شهرابی‌توفیق، ۱۴- کیوان صمیمی، ۱۵- کریم عزیزمحمدی، ۱۶- محمود علی‌نقی، ۱۷- ابوالفضل غسالی، ۱۸- پارسا گلشنی، ۱۹- امیرحسین میرخلیلی، ۲۰- عبدالرسول مرتضوی، ۲۱- شهاب‌الدین نظری، ۲۲- بهزاد همایونی، ۲۳- احمد یزدانی و از زندان فشافویه: ۲۴- محمد شریفی‌مقدم و ۲۵- کیانوش عباس‌زاده

و از زندان عادل‌آباد: ۲۶- محمد داوری و ۲۷- سجاد زارع

و ۲۸- کسری نوری که محل نگهداری او مشخص نشده است، هستند که خطاب به مردم جامعه‌ی ما آورده‌اند: «هموطنان عزیز! در آستانه‌ی پایان قرن و بر تلی از خاکستر و خون، در همه این لحظه‌های از پس هم رفته‌ی ویران که از بن ویرانه‌اش چه بسا امیدها مانده است مدفون؛ ما زندانیان سیاسی سرشاریم از یادی دردآور و امیدی جان‌افزا که از نیروی بیداری شما پای گرفته است و خواب فلاکت‌زای روزهای پریشانی را هلاک خواهد ساخت.

ما به یاد و احترام رنج‌های مشترک‌مان و در اعتراض به ظلم‌های ستمگران که شمه‌ای از آن را بر خواهیم شمرد و به پاسداشت مبارزه‌ی شما برای آزادی، دموکراسی، رفع تبعیض و نابرابری و احقاق حقوق انسان، از بامداد اولین روز قرن پانزدهم به مدت سه روز اعتراض خود را به صورت اعتصاب غذا نشان خواهیم داد تا به جای نان و آسایش که مدت‌هاست از سفره‌ی شما مردم شریف ایران دریغ شده است از خوان جان‌فزای شرافت و شجاعت شما ارتزاق کنیم و نیرو بگیریم برای همراه و یاور شما بودن در ایستادگی و مقاومت به امید پیروزی در قرنی خوش بهار؛

ما به یاد و احترام رنج بی‌شمار گرسنگان وطن در برابر سفره عید نوروز و در اعتراض به خشونت کشنده‌ی فقر که در آخرین زخمه‌اش با تعیین حداقل دستمزد ۱۴۰۰ کفاف پنج روز زندگی انسانی را نمی‌دهد؛

ما به یاد و احترام آفتابی که از «سراوان» برآمد و در خون دل مادران داغدار بلوچ غروب کرد و در اعتراض به سرکوب، کشتار، و خفقان اقلیت‌های قومی و مذهبی؛

ما به یاد و احترام کشته‌شدگان آبان ماه ۹۸ و همه‌ی جان‌هایی که در راه سعادت و آزادی ایران فدا شد و در اعتراض به ظلم و ستمی که برای بقایش هیچ گلوله‌ای را هوایی تلف نمی‌کند؛

ما به یاد و احترام سربه‌داران: **نوید افکاری، مصطفی صالحی، محمد ثلاث** و هزاران زن و مردی که ایستاده برای مردم‌شان جان دادند و در اعتراض سیستمی که امنیتش را بر سرکوب میزان می‌کند؛

ما به یاد و احترام **بهنام محجوبی** و دیگر زندانیان بیماری که چو شمع پشت میله‌های زندان آب شدند و می‌شوند و در اعتراض به زندانی که در هایش رو به قبرستان گشوده است؛

ما به یاد و احترام رنج آوارگانی که در حاشیه‌نشینی و پشت‌بام خوابی به اسارت رفته‌اند و در اعتراض به استبدادی که حتی در زندان هم در پی گسستن هر پیوندی‌ست و به جبر تبعید آوارها را می‌کند، اعتصاب غذا خواهیم کرد.

از آنجا که بر سریر حکمرانی، خودکامگی تکیه زده و بر دل رنجور مردم تازیانه‌هاست، یاد دردهای مشترک‌مان را پایانی نیست اما همین صدای قلاده‌های بر گردن و پاهای در زنجیر رقص لغزان شکستن را می‌آورد.

یاد شجاعت و ایستادگی شما مردم بزرگ، ما را مصمم تر می‌کند و این رنج‌ها ما را قوی‌تر تا پای به پای شما راه صلح و آزادی را در قرن پیروزی به پیماییم زیرا باور داریم پی و بن برشده‌ی دیوار بدجویان، روی در سوی خرابی‌ست.

در پایان، بسیار کسان در زندان هستند که در این تلاش برای تجدید پیوند با شما مردم و به‌ویژه کارگران، معلمان، بازنشستگان و زحمت‌کشان در کنار ما ایستاده‌اند. اما تبعید، انفرادی و بسی ستم‌های ناروا مجال‌شان نداد تا نام‌شان نیل این اعتصاب نوروژی آغاز قرن باشد.

مردم عزیز ایران! عید نوروز و هر روز ما از شما مبارک شده است و قلب ما سرشار از عشق شماست به امید پیروزی و دیدارتان در ایرانی آزاد».

بدین ترتیب ۲۸ نفر از زندانیان سیاسی، محبوس در زندان‌های اوین و زندان تهران بزرگ (فشافویه) با انتشار این بیانیه در روز شنبه سی‌ام اسفند ۱۳۹۹؛ اعلام کردند که در «اعتراض به نقض حقوق بشر» و «ظلم‌های ستمگران» و همچنین «ادامه سرکوب و اختناق در جامعه» از شنبه اول فروردین، به مدت سه روز اعتصاب غذا می‌کنند.

بلافاصله روز یکشنبه ۱ فروردین ۱۴۰۰، شش (۶) نفر از زنان محبوس در بند سیاسی زندان اوین نیز به اعتصاب غذا پیوستند. طبق اخبار منتشره خانم‌ها: ۱- عالییه مطلب‌زاده، ۲- حدیث صبوری، ۳- رضوانه احمدخان‌بیگی، ۴- زینب همرنگ، ۵- شکیلا منفرد و ۶- گیتی پورفاضل، حقوقدان و عضو کانون نویسندگان ایران، در همراهی با سایر زندانیان سیاسی در این روز اعلام کردند که اعتصاب غذا خواهند کرد.

در همان یکشنبه ۱ فروردین، هجده (۱۸) نفر از زندانیان سیاسی که در زندان رجایی‌شهر کرج در حبس به سر می‌برند، با انتشار نامه‌ای سرگشاده، به تبعید زندانیان سیاسی و پرونده‌سازی متعدد علیه آنان اعتراض کردند. همزمان اعتصاب غذای شماری دیگر از زندانیان سیاسی با حمایت کاربران شبکه‌ی مجازی روبرو شد.

جرقه‌ی همصدایی با زندانیان اعتصابی، در بیرون زندان توسط آقای رسول بُدّاقی، از فعالین صنفی فرهنگیان ایران در سخنانی که فایل ویدئوی آن در سطح شبکه‌های مجازی وسیعاً منتشر شد، زده شد. بُدّاقی ضمن تشریح وضعیت اسماعیل عبدی، معلم زندانی (که بی‌شبهت به وضعیت دوران زندان خودش نیست) با هوشمندی و موقعیت‌شناسی، روز جهانی کارگر و فردای آن، روز معلم را به عنوان نقطه‌ی آغاز اعتراض پیشنهاد کرد.

بُدّاقی همچنین در گفتگو با کانال تلگرامی «چرخنده» ضمن پاسخگویی در برابر پرسش‌های مخاطبان آن کانال اعلام می‌دارد: «خواست ما در این اعتراض، آزادی زندانیان سیاسی است. به ویژه همکار صنفی ما اسماعیل عبدی، البته هر صنفی به دنبال آزادی اعضای صنف خود است، اما ما می‌توانیم به کمک همدیگر به خواست خودمان برسیم.» و با صراحت می‌گوید: «مخاطب ما همه‌ی کسانی هستند که از هرج و مرج موجودی که نظام جمهوری اسلامی درست کرده، ستم دیده‌اند؛ سیلی خورده‌اند. هر صنفی که زندانی دارد و هر گروه، فرد و طیفی که دلش به حال جامعه و فعالان مدنی می‌سوزد و می‌خواهد نقش اجتماعی خودش را انجام بدهد مخاطب ماست.» بُدّاقی می‌گوید که مخاطبین فراخوان او «گروه‌های صنفی فعال؛ کارگران، زنان، دانشجویان، معلمان و سایر اقشار هستند. این فعال بودن خود بستر مناسبی برای برداشتن گام نخست را می‌سازد.» بنابراین نخستین عمل ما در این مسیر، «همگرایی» جنبش‌های اجتماعی در روز جهانی کارگر ۱۴۰۰ است.

همچنین طی روزهای گذشته و در ادامه‌ی مسیر مبارزه، شاهد برخی تحرکات آموزگاران در شهرهای گوناگون و در سطح شبکه‌های مجازی اینترنتی با عنوان «اسماعیل عبدی تنها نیست» بودیم.

از میان گروه‌های صنفی فعال که می‌توانند با همگرایی خود نقش مهم و مؤثری در کسب مطالبات صنفی و اجتماعی داشته باشند، پرستاران هستند؛ پرستاران در آغاز سال نو؛ همچنان پیگیر مطالبات خودند. ام‌البنین نارنجی رئیس هیئت مدیره نظام پرستاری اهر به خبرنگار سازمان نظام پرستاری درباره مطالبات پرستاران گفته: «اجرای «قانون تعرفه گذاری» یکی از مهمترین مطالبات پرستاران است. لازم است تعرفه‌گذاری به گونه‌ای اجرا شود که اقدامات و خدمات پرستاران به نام خودشان ثبت شود و تعرفه آن را دریافت کنند.» «تأمین نیرو» از جمله مهمترین مطالبات پرستاران است. کمبود نیروی پرستار

همچنان یک مسالهی حل نشده مانده. در بیمارستان‌ها هر پرستار به جای دو یا سه نفر کار می‌کند و این موضوع باعث می‌شود پرستاران خسته و فرسوده شوند؛ بعد از تامین نیرو، اولویت دیگری که برای پرستاران مهم است مسئله «پرداخت کارانه‌ها» است که با توجه به میزان کاری که انجام می‌دهند، متناسب نیست». از دیگر مواردی که مطالبات پرستاران را به مطالبات دیگر صنوف پیوند می‌دهد می‌توان از «تفاوتی که بین پرستاران شرکتی و رسمی وجود دارد» نام برد که به‌گفته‌ی همان مقام مطلع «باعث کاهش انگیزه‌ی پرستاران می‌شود. نیروهای شرکتی با شروع بحران کرونا در صف مبارزه با این بیماری قرار گرفتند و شایسته نیست بین نیروهای رسمی و شرکتی که هر دو یک نوع خدمت و کار را انجام می‌دهند تفاوت باشد. لازم است برای پرستارانی که دچار عارضه‌ی کرونا شده‌اند با توجه به اینکه عوارض این بیماری برای این افراد همچنان باقی مانده، امتیازاتی مانند جانبازان دفاع مقدس، در نظر گرفته شود». می‌بینیم که گروه‌بندی‌های پرستاران شرکتی و رسمی مانند معلمان و فرهنگیان مساله‌ساز است پرستاران نیز خواهان «همسان‌سازی» هستند. همانطور که بازنشستگان و سایر صنوف معترض در میدان.

چنانکه در آغاز اشاره شد، در نخستین هفته‌ی سال جدید، با دور جدید تحرکات کارگران نیشکر هفت تپه در بخش دفع آفات نیز روبه‌رو هستیم. که به اخراج غیر قانونی همکاران خود، نامشخص بودن روند خلع ید بخش خصوصی و حذف سهمیه‌ی شکر و... معترضند.

پس از اعلام امضای قرارداد موسوم به ۲۵ ساله جمهوری اسلامی با چین، در تهران، کرج، رشت و احتمالاً دیگر شهرها بزرگ، مردم به خیابان آمدند و با فریاد خود آن‌را با قرارداد خانمان برانداز ترکمانچای در دوره‌ی قاجاریه قیاس، خواهان فسق و ابطالش هستند. این اعتراضات در حالی‌ست که افکار عمومی جامعه از محتوای آن تا حال بی‌خبر نگه‌داشته شده است!

و آنچه می‌ماند نفس گرم بازنشستگان تأمین اجتماعی و دیگر گروه‌های بازنشستگان است که عملاً به این نتیجه رسیده‌اند که برای گرفتن مطالبات بازنشستگان در سال جدید چاره‌ای جز حضور و اعتراضات گسترده خیابانی باقی نمانده است؛ چرا که حاصل همه‌ی تلاش‌ها و زحمات بازنشستگان تأمین اجتماعی و تجمعات پی‌در پی آن‌ها در سال ۱۳۹۹، تنها به یک مورد پرداخت علل الحساب؛ یک مصوبه‌ی بودجه‌ای و مقداری وعده و وعید ختم شد و هنوز مطالبات اصلی بازنشستگان عملی و اجرایی نشده است.

گفته آمد که بازنشستگان نیز مانند سایر صنوف - که به دلیل سیاست‌های نئولیبرالی دیکته شده توسط بانک جهانی به جمهوری اسلامی، چند پاره و گسسته شده‌اند و با اندک تفاوت دستمزد و مزایای اسمی در قالب برتری ظاهری و القاب بی‌ثمر، بین آن‌ها تفرقه انداخته‌اند - خواستار «همسان‌سازی» هستند؛ اما حاکمیت نه تنها این کار را صورت

نداده، به هزار بهانه از افزایش حقوق بازنشستگان کشوری و لشگری طفره می‌رود. این مطالبه‌ی همسان سازی و رفع تبعیض باید در اولویت اجرا قرار بگیرد؛ از همین رو و در تداوم و پیوند با اعتراضات خیابانی سال پیش، بازنشستگان فراخوان سراسری برای اعتراض خیابانی یکشنبه پانزدهم (۱۵) فروردین ۱۴۰۰ با همان شعار: «تنها کف خیابون، به دست میاد حقمون» را منتشر کرده‌اند.

برای بازنشستگان جامعه‌ی ما تا به امروز روشن شده است؛ هیچ مطالبه‌ای را از هیچ نهادی به زبان خوش، با اعتماد به وعده‌ها، بدون اتحاد مستقل حداکثری و مطالبه‌گری پیگیر و حضور در کف خیابان نمی‌توان بدست آورد یا در صورت بدست آوردن حفظ کرد و یا در صورت حفظ کردن گسترش داد بلکه تنها در کالبد پیوسته‌ی همگرایی‌ها است که می‌توان این اعتراضات را به ثمر رساند!

=====

روزشمار کارگری هفته

شماره ۱ را از سایت روزشمار کارگری ،

لینک زیر می توانید دنبال کنید!

<http://karegari.com/maghalat/2021/04/01/Roozshomar%20kargari%201%20AmiR.pdf>